

تعریف نرخ ارز

به طور کلی عبارت است از قیمت پول داخلی یک کشور بر حسب پول های خارجی که این یک تعریف عام است. نرخ ارز تعداد واحدهای پول داخلی مورد نیاز برای خرید یک واحد پول خارجی که در واقع ارزش یک واحد پول خارجی بر حسب پول داخلی را می سنجد که در تمامی صحبت های بعد از این، این تعریف از نرخ ارز مد نظر است.

به عنوان مثال، نرخ برابری دلار و پوند انگلیس را به صورت زیر در نظر بگیریم؛

$$S(P, Q) = \frac{2\$}{1£} = 2$$

بنابراین تعریف برای خرید هر واحد پوند نیاز داریم که دو دلار پرداخت کنیم که می شود قیمت دلاری هر پوند = 2 دلار. مفهومی که در این ارتباط لازم است بیان شود آن است که اگر S افزایش یابد به معنی آن است که دلار تضعیف شود، و اگر S کاهش یابد در چارچوب نرخ ارز شناور دلار تقویت شده است.

اگر S از 2 به $2.2 = S$ افزایش یابد، به معنای این است که متعاقبا 2 دلار می دادیم و 1 پوند می گرفتیم حالا باید 2.2 دلار بدهیم و 1 پوند دریافت کنیم، پس دلار دچار تضعیف ارزش شده است.

اگر S از 2 به $1.8 = S$ کاهش یابد، به معنای این است که در شرایط جدید به جای پرداخت 2 دلار در ازای 1 پوند هم اکنون 1.8 می دهیم پس دلار افزایش ارزش داشته است.

تعریف دوم نرخ ارز:

صرفا در موارد بسیار خاص مورد استفاده قرار خواهد گرفت، نرخ ارز را به صورت تعداد واحدهایی پول خارجی مورد نیاز برای خرید یک واحد پول داخلی در نظر می گیریم به این ترتیب در این مفهوم نرخ ارز عبارت است از ارزش یک واحد پول داخلی بر حسب پول های خارجی.

$$S(P, Q) = \frac{1}{S} = \frac{1£}{2\$} = \frac{1}{2} = 0.5$$

این تعریف عکس تعریف اولیه از نرخ ارز است.

نرخ تعادلی ارز (در قالب نظام نرخ ارز شناور)

ارز همان پول خارجی است. قیمت پول خارجی همان نرخ ارز است. بنابراین در بازار ارز به مانند هر بازار دیگری یک کالا مورد مبادله قرار می گیرد که این کالا در بازار ارز پول یک کشور دیگر است. از این روست که به مانند هر بازار دیگری نرخ تعادلی ارز در اثر کنش و واکنش عرضه و تقاضای ارز در بازار ارز تعیین می شود. پس نرخ تعادلی ارز نرخیه است که در آن عرضه و تقاضای ارز با هم برابر می شود.

نکته ای که در رابطه با بازار ارز مطرح است آن است که تقاضای ارز یک تقاضای اشتقاقی است، به این مفهوم که تقاضای خارجی آن برای پول داخلی یک کشور در نتیجه تقاضای اتباع خارجی برای کالا و خدمات داخلی آن کشور است و همین طور دارایی های مالی و یا غیر مالی یک کشور.

طبیعی است که اتباع انگلیسی پول آمریکا را صرفا به خاطر خرید کالاها و خدمات و یا خرید دارایی ها مورد تقاضا قرار می دهند. بنابراین تقاضای ارز اشتقاقی است یعنی تقاضای آن به خاطر انجام کارهای دیگر است نه به خاطر خود ارز، برای مثال تقاضای عوامل تولید که کارفرمایان باری تولید کالاها عوامل تولید را استخدام می کنند.

حال می دانیم که تقاضای نرخ ارز، دارای شیب منفی است.

$$P_E^{UK} = \frac{£}{\$} \times P_{\$}$$

قیمت کالاها و خدمات آمریکایی به پوند : P_E^{UK}

$\frac{£}{\$}$: قیمت پوند دلار

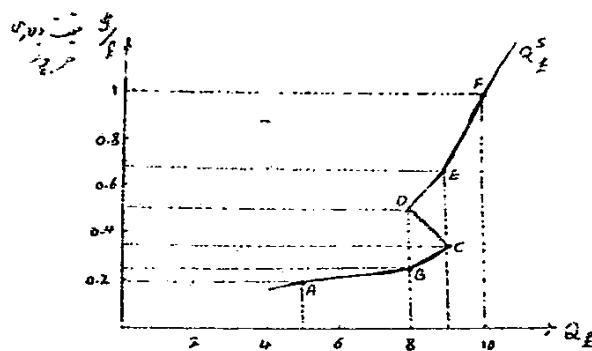
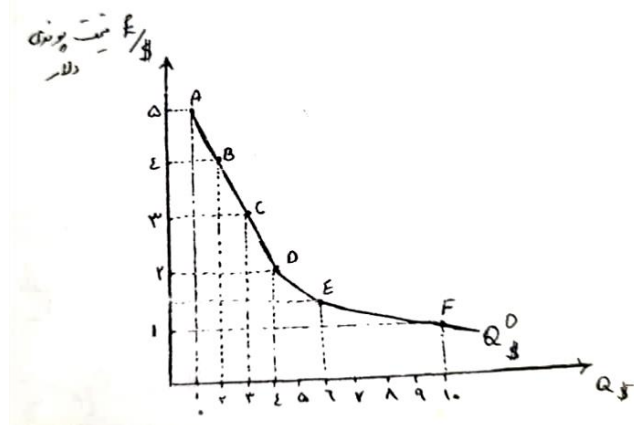
$P_{\$}$: قیمت کالاها و خدمات آمریکایی به دلار

فرض شده است که ارز به جهت خرید کالاها و خدمات تقاضا می شود، پس تقاضای انگلیسی ها برای ارز دلار برای خرید کالاها آمریکایی است. اگر یک انگلیسی بخواهد یک رادیوی آمریکایی به قیمت 1000 دلار بخرد در آن صورت قیمت پوندی دلار 0.5 است؛ بنابراین قیمت کالا و رادیو آمریکایی برابر 500 پوند خواهد بود.

اگر فرض کنیم که انگلستان کوچک و تقاضا برای کالای آمریکایی ثابت و بسیار کوچک باشد در آن صورت اگر $\frac{£}{\$}$ افزایش یابد در آن صورت تقاضای اتباع انگلستانی برای کالاها آمریکایی کاهش می یابد. بنابراین تقاضای ارز توسط اتباع انگلیسی کاهش می یابد. چنین منطقی است که شیب نزولی را برای تقاضای ارز تضمین می کند.

با افزایش قیمت پوندی دلار انتظار داریم که تقاضای دلار کاهش یابد.

نقاط	پیشنهاد قیمت پوندی دلار	$Q_{\D تقاضا برای دلار (هزار)	$Q_{£}^S$ عرضه پوند (هزار)	قیمت دلاری پوند $\frac{\$}{£}$
A	5	1	5	0.2
B	4	2	8	0.25
C	3	3	9	0.33
D	2	4	8	0.5
E	1.5	6	9	0.67
F	1	10	10	1



عرضه پوند به طور کلی نشان دهنده مخارج کل اتباع انگلستان بر روی کالاها و خدمات آمریکایی است و از این جهت ارقام ستون چهارم فوق با استفاده از حاصل ضرب ستون دوم و سوم به سادگی قابل محاسبه خواهد بود، و طبیعی است که با استفاده از ارقام ستون چهارم و پنجم منحنی عرضه بازار پوند را در بازار ارز به سادگی می توان استخراج کرد.

داریم؛

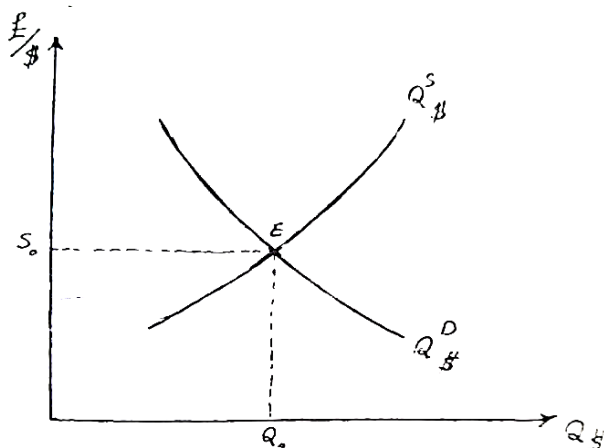
$$Q_{£}^S = \frac{£}{\$} \times Q_{\D$

هنگامی که قیمت پوندی دلار کاهش می یابد، تقاضا برای کالاهای آمریکایی افزایش و معکوس آن که قیمت دلاری پوند است افزایش می یابد، در نتیجه انتظار داریم مقدار عرضه پوند افزایش پیدا کند.

در ناحیه بین C و D بر خلاف انتظار ما که عرضه صعودی است به سمت عقب کشیده شده است. اصطلاحاً در این شرایط گفته می شود منحنی عرضه دلاری پوند به سمت عقب خم شده است و علت این امر این است که در ناحیه C و D منحنی تقاضا برای دلار بی کشش است. بنابراین تئوری معمول اقتصاد انتظار داریم هنگامی که تقاضا برای کالایی بی کشش باشد با کاهش قیمت آن کالا مخارج کل بر روی آن کالا کاهش یابد. در این جا نیز از آنجا که در حد فاصل C و D منحنی تقاضای دلار بی کشش است، لذا مخارج کل اتباع انگلستان با کاهش قیمت پوندی دلار کاهش یافته است و از این جهت منحنی عرضه پوند نیز به سمت عقب در ناحیه C و D خم شده است. بنابراین هرگاه منحنی تقاضا برای دلار بی کشش باشد می توان انتظار داشت که منحنی عرضه پوند به عقب برگشته و دارای شیب نزولی شود.

این امر تبعات مهمی در خصوص نرخ تعادلی ارز و ثبات آن خواهد داشت.

به این ترتیب با توضیحات فوق مشخص است که به سادگی با داشتن ارقام تقاضا برای پوند می توان منحنی عرض دلار را با سازو کار گفته شده در فوق استخراج کرد و بالعکس. به این ترتیب مشخص می شود که سمت عرضه و تقاضای دلار را به سادگی می توان استخراج کرده و لذا طریق بررسی و اثرات متقابل عرضه و تقاضا نرخ تعادلی ارز را به دست آورد. به عنوان مثال چنانچه توجه خود را معطوف به بازار دلار کنیم می توان انتظار داشت که به طور معمول منحنی های Q_E^S و Q_D^D بیانگر منحنی های عرضه و تقاضای دلار در بازار دلار بوده و طبیعی است که در نرخ ارز S_0 ، عرضه و تقاضای دلار با یکدیگر برابر شده و مقدار تعادلی تقاضا برای دلار توسط Q_0 در این نرخ ارز تعیین خواهد شد.



طبیعی است که نقطه E، نرخ با ثبات خواهد بود. چون شیب منحنی عرضه و تقاضا دارای حالت معمول خواهد بود. به عنوان مثال چنانچه بنا به هر دلیلی نرخ ارز از سطح S_0 به S_1 کاهش یابد، به مواجه با مازاد تقاضا برای دلار شده و در چنین شرایطی انتظار می رود که نیروهای بازار به کار افتاده و نرخ ارز به سمت از بین بردن عدم تعادل سوق خواهد داد. همچنین نرخ ارز افزایش یافته تا به سطح S_0 برسد.

و به همین ترتیب اگر نرخ ارز از سطح S_0 به S_1 افزایش یابد مواجه با مازاد عرضه دلار خواهیم بود و نیروهای بازار عدم تعادل را از بین خواهد برد. به این ترتیب که نرخ ارز به S_0 کاهش خواهد یافت به این ترتیب مشاهده می کنیم که نرخ تعادلی S_0 نرخ با ثبات است.